

دو دختر مقتول از قصاص پدرسنگدل شان گذشت کردند

13 مرداد 1404

مردی که متهم است همسرش را با ضربات جسم سخت به قتل رسانده در دادگاه کیفری مدعی شد عاشق همسرش بوده است.

«ایران» نوشت: مرداد سال 1403 مرد جوانی به نام هوشنگ در تماس با اورژانس تهران اعلام کرد که حال همسرش مساعد نیست و به یکباره بیهوش شده است. پس از آن تکنیسین‌های اورژانس به خانه آنها در شهرک ولیعصر اعزام شدند.

معاینات اولیه نشان می‌داد که زن جوان فوت کرده است. از آنجا که مرگ او مشکوک به نظر می‌رسید تکنیسین‌های اورژانس پلیس را در جریان ماجرا قرار دادند.

پزشکی قانونی بعد از معاینات لازم در گزارشی علت تامه مرگ را ضربات متعدد جسم سخت به سر اعلام کرد.

با این گزارش، مأموران تحقیقات‌شان را آغاز کردند و مشخص شد که صبح همان روز این زوج باهم درگیری فیزیکی داشته‌اند و هوشنگ ضرباتی را به سر او زده است.

به این ترتیب هوشنگ دستگیر شد و به درگیری با همسرش اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: ما دو دختر داریم که آن روز هم هر دو شاهد ماجرا بودند. من و همسر من از سال‌ها پیش باهم اختلاف داشتیم چون همسر من مراقب رفتار و روابطش نبود تا اینکه روز حادثه باهم درگیر شدیم و من با صندلی چند ضربه به سر و بدنش زدم اما بعد از جایش بلند شد و به ظاهر حالش خوب بود. تا اینکه گفت سرم درد می‌کند و به یکباره روی زمین افتاد و من هم بلافاصله اورژانس را خبر کردم اما وقتی آنها رسیدند فوت کرده بود. با اعتراف صریح متهم پدر مقتول با حضور در دادسرا درخواست قصاص کرد اما دو دختر او رضایت خود را اعلام کردند.

با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه 11 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

مشاوره حال خوب

ارائه خدمات مشاوره ای

- خانواده
- ازدواج
- زوج درمانی
- تحصیلی
- انگیزشی
- گمنام

برنامه ریزی درسی و انتخاب رشته نهم

تلفن هماهنگی:

۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای این جلسه برادران مقتول اظهار کردند چون پدرشان به تازگی فوت کرده آنها به عنوان اولیای دم و به درخواست پدرشان خواهان قصاص هستند. پس از آن متهم به جایگاه رفت و در دفاع از خودش گفت: «من عاشقانه با همسرم ازدواج کردم و تا لحظه مرگ هم عاشقش بودم. اما او رفتار خوبی نداشت هر بار به خاطر عشق و علاقه‌ای که به او داشتم گذشت می‌کردم و از همسرم می‌خواستم که به خاطر بچه‌ها و زندگی‌مان دست از رفتارهایش بردارد. اما او دست بردار نبود. چندبار از او شکایت کردم و سوابق آن در دادرسی ارشاد موجود است اما هر بار گذشت می‌کردم با این خیال که او سرش به سنگ بخورد اما نخورد.

متهم با اشاره به دو دخترش گفت: «دو دختر من شاهد هستند که من چقدر به رفتارهای همسرم اعتراض کردم و او بی‌توجهی کرد. اگر حالا آنها رضایت داده‌اند به خاطر این است که می‌دانند مادرشان با من چه کرد.»

هوشنگ در ادامه خاطرنشان کرد: همسرم با حرف‌هایش روان مرا به هم می‌ریخت. من از اتفاقی که افتاده ناراحت و پشیمان هستم و واقعاً نمی‌خواستم که همسرم را به قتل برسانم. ما حتی یک بار تا مرحله طلاق هم رفتیم اما به خاطر بچه‌ها دوباره برگشتیم و باهم زندگی کردیم. با پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.